

آب و نولس

نابغه شعر

مترجمان:

دکتر جواد طاهری

نرگس حیدری منجیلی

نویسنده: فیلیپ. اف. کندی



ابونواس

نابغه‌ی شعر

کندی فیلیپ

مترجمان:

دکتر جواد طاهری

نرگس حیدری منجیلی

سرشناسه	: کندی، فیلیپ
عنوان و نام پدیدآور	: Kennedy, Philip F
مشخصات نشر	: ابونواس، نابغه شعر/فیلیپ کندی؛ مترجمان جواد طاهری، نرگس حیدری منجیلی.
مشخصات ظاهری	: قزوین: سایه گستر، ۱۳۹۷.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۴-۵۴۸-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فینیا
یادداشت	: عنوان اصلی: Abu Nuwas : a genius of poetry ,2005.
موضوع	: ابونواس، حسن بن هانی، ۱۴۰ - ۱۹۸ق.
موضوع	: شاعران عرب -- قرن ۲ق. -- سرگذشتنامه
موضوع	: Poets, Arab -- 8th century—Biography
شناسه افزوده	: طاهری، جواد، ۱۳۴۲ - مترجم
شناسه افزوده	: حیدری منجیلی، نرگس، ۱۳۵۰ - ، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ۲/الف ۹/۳۴۲۷PJA
رده بندی دیویی	: ۷۱۳۴/۸۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۷۵۶۰۵



آدرس: قزوین، چهارراه ناهری، جنب داروخانه قانون، پلاک ۳۱۰، طبقه ۲ ☎ ۰۲۸-۳۲۲۲۵۴۰۵-۲۲۲۸۰۲۲

ابونواس، نابغه شعر

- مترجمان: دکتر جواد طاهری - نرگس حیدری منجیلی
- ویراستاران: دکتر لیدا نامدار - سحر طاهرخانی
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸
- ناشر: سایه گستر
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۳۵/۰۰۰ تومان
- شابک: ۳-۵۴۸-۳۷۴-۶۰۰-۹۷۸

تقدیم بہ پیشگاہ آسمان جلال حضرت استاد دکتر قاسم انصاری

مترجمان این کتاب سپاسگزارند:

-از دکتر قاسم انصاری استاد «زبان و ادبیات فارسی» و «ادیان و عرفان» به دلیل ارشادات فراوان برای رفع اشتباهات مضمونی و محتوایی...

-از دکتر لیدا نامدار استاد «زبان و ادبیات عرب» که با بازخوانی نهایی و مقابله‌ی اصل و ترجمه همچنین ویراست علمی، کتاب حاضر را آماده‌ی انتشار کردند...

-از دکتر حسین مافی و جناب آقای حامدی‌فر مدیران محترم انتشارات سایه‌گستر و مهرگان‌دانش که زحمت چاپ مجموعه‌ی حاضر را متقبل شدند...

-از استاد سحرطاهرخانی به‌خاطر ویراست‌های مکرر و حذف و اضافه‌های متنی و ارائه‌ی نظرهای صائب در اصلاح ترجمه‌ی اشعار با طبع شاعرانه...

-از جناب آقای میثم کرمی به‌خاطر معرفی و در اختیار نهادن نسخه‌ی انگلیسی کتاب حاضر...

-از سرکار خانم بخارایی که با طراحی جلد کتاب، همچنین صفحه‌آرایی بسیار استادانه، کتاب را به شکل حاضر درآوردند...

از سرکار خانم صادقیان که با زحمات فراوان خود در دفتر انتشارات، مقدمات چاپ کتاب را فراهم نمودند...

و از تمامی عزیزانی که در انتشار کتاب حاضر یاریمان دادند.

فهرست مطالب

۱۱.....	درباره مولف
۱۳.....	مقدمه‌ی مترجمان
	فصل اول: خلاصه‌ای از سرگذشت ابونواس
۱۸.....	خانواده، زادگاه و شهر و دیار ابونواس
۲۰.....	تحصیلات
۲۵.....	عشق به جنان
۲۷.....	حرکت به بغداد
۳۲.....	شاعر نوپرداز
۳۵.....	تمایلات جنسی
۳۹.....	شخصیت و خلق‌و‌خو
۴۳.....	زندان
۴۶.....	اقامت موقت در مصر
۴۷.....	مرگ و زندگی پس از مرگ

فصل دوم: «عشق، شراب، انحراف جنسی و تازیانه

۵۲.....	شعر غنایی ابونواس
۵۲.....	شعر شهوانی
۵۳.....	دو روایت از شعر عاشقانه - یک طرح
۵۵.....	خلاصه‌ای از عشق ایده‌آل
۵۹.....	کمی به سمت پوچی و شهوت
۶۲.....	روان‌شناسی ارباب و خدمتکار
۶۵.....	برگشتن ورق

۷۰.....	قوادی برای شیطان
۷۵.....	ترس از زنان و دیگر هیجانات
۷۸.....	فتنه‌انگیزی و تجاوز به عنف
۸۰.....	نوشته‌ها و نامه‌ها
۸۲.....	پسران مسیحی
۸۵.....	شعر شراب
۸۸.....	شراب محبوب
۹۴.....	دلایل مبهم برای «این» و «آن»
۹۵.....	دو چشم انداز از یک زمان
۹۶.....	آثار برجای مانده متعلق به چه کسانی است؟
۹۸.....	خدانشناس خوب
۱۰۰.....	گفتگو با یک می‌فروش یهودی
۱۰۴.....	شراب مقدس

فصل سوم: «خوب، بد و زشت»

۱۱۴.....	در مدیحه و طنز(هزلیات)
۱۱۵.....	مدیحه
۱۱۸.....	۱. رسمی (مقید به آداب) و موقر و سنگین:
۱۲۱.....	مقدمه
۱۲۱.....	خاطره‌ی شکار شاهین
۱۲۳.....	خلاصه‌ای از مدیحه‌ی کامل
۱۲۳.....	سفر شتر و غزال
۱۲۴.....	ستایش اغراق‌آمیز
۱۲۵.....	دادخواهی

۱۲۷.....	۲- کمتر رسمی و کمتر موقر
۱۳۱.....	۳- ستایش‌های گوناگون و وابسته به موقعیت
۱۳۲.....	نگهبان زندان
۱۳۲.....	حسن بصری
۱۳۳.....	قلم‌های فرورفته در زهر تلخ طنز
۱۳۶.....	نان و سوگ
۱۳۷.....	سیاست دولت و امین
۱۳۹.....	کینه و توهین به مقدسات
۱۴۲.....	جعفر برمکی نالایق
۱۴۳.....	کیمیاگر و شجره‌نامه‌ی ساختگی
۱۴۴.....	اسماعیل بن ابی سهل
۱۴۵.....	عضو دزدیده شده
۱۴۶.....	فیلسوف زبان‌باز مصری
۱۴۸.....	مشاور زندان
۱۴۸.....	خدمتکاران و دختران آوازه‌خوان
۱۴۹.....	تحریک منجر به مرگ

فصل چهارم: برخی شعرهای شکار و بازی چوگان

۱۵۵.....	سگ تازی بوینده
۱۵۸.....	یوزپلنگ وحشی
۱۶۱.....	مرثیه‌ای برای یک سگ شکاری
۱۶۲.....	مسابقه‌ی چوگان
۱۶۳.....	مردان شریف

فصل پنجم: «مردگان و فناپذیری»

۱۶۴.....	زهدیات و مرثیه
۱۶۵.....	زهدیات
۱۶۸.....	پاداش شخص صالح
۱۶۸.....	تبارشناسی فناپذیری انسان
۱۷۰.....	خطر گفتگوی بیهوده
۱۷۰.....	شیوایی ساده
۱۷۲.....	صدا و معنی
۱۷۳.....	جوهر دائمی فرشتگان
۱۷۴.....	مرثیه
۱۷۴.....	برای هارون الرشید
۱۷۵.....	برای محمد بن زبیده امین
۱۷۶.....	برای برمکی‌ها
۱۷۶.....	قطعاتی برای پسرش
۱۷۷.....	برای والبه بن حباب
۱۷۸.....	برای دوست بیمارش
۱۷۹.....	بازهم برای خودش

درباره‌ی مؤلف

جان اف کندی^۱ نویسنده، ویراستار، مدیر و بنیان‌گذار دانشگاه Nyu Abu Dhabi، استاد مطالعات اسلامی، خاورمیانه، و ادبیات تطبیقی است که نوشته‌های بسیاری در رابطه با ادبیات عرب از جمله خمربیات منتشر کرده است. همکاری در مجله‌ی انجمن سلطنتی آسیا و نگارش مقالاتی برای مجله‌ی انجمن شرق آمریکا، انجام پژوهش‌های ادبی افریقا از دیگر فعالیت‌های ارزنده‌ی اوست. زمینه‌های مورد علاقه و مطالعه‌ی او زبان و ادبیات عربی، شعر کلاسیک عربی، روایت و داستان در سنت عربی و ادبیات تطبیقی است.

نخستین کتاب او *آهنگ شعر شراب در شعر کلاسیک عربی: ابونواس و سنت ادبی* است که انتشارات اکسفورد در ۱۹۹۷ آن را به چاپ رساند (آکسفورد، Charendon press 1997) و در آن، پیشرفت سبک شعر شراب، از عربستان پیش از اسلام تا شکوفایی آن در عراق دوره‌ی عباسیان را بررسی کرده است؛ *آهنگ شراب* در واقع تلاش کندی برای کشف پیچیدگی برخی از اشعار کم نظیر ابونواس است.

تشیص در سنت روایت ادبی، اثر دیگر اوست که در سال ۲۰۱۶ به چاپ رسیده است. به عقیده‌ی او، ابونواس یکی از پنج شاعر بزرگ سنت عربی است و شعر شراب او خیلی هم دور از ذهن نبوده و بخشی از میراث ادبی در ادبیات پیش از مدرن عربی است. از نظر کندی واقعا شگفت‌انگیز است که فرهنگی که شراب را از نظر مذهبی ممنوع کرده بیشترین سروده‌های مستانه را در ادبیات جهان داشته باشد. خواندن و درک شعرهای شراب برای درک صحیح از شکل‌گیری فرهنگ و تمدن اسلامی ضروری است. همچنین پیچیدگی‌های ذهن شاعرانه را نیز به تصویر می‌کشد، چرا که موضوع شراب در کنار دیگر موضوعات شعری شاعر شکل گرفته

است و متناقض‌نمای پیچیده‌ای از آن به وجود آورده که آن را با پویایی متنوع با شعر آسمانی / روحانی، شعر وابسته به عشق شهوانی و بیشتر شعر رسمی آمیخته است. البته یک جنبه عینی جهانی نیز برای این شعر وجود دارد که برای هر پژوهشگر ادبی، جذاب است.

کندی در حال حاضر، تکمیل یک کتاب طولانی، تحت عنوان تشخیص‌های اسلامی در ادبیات رمانتیک عربی را در دست بررسی دارد این یک مطالعه از نوع معرفت‌شناسی روایت است که متمرکز بر دروه قرون وسطایی بوده و در آن، تمرکز بر روش مهم کسانی است که زمینه‌ی تطبیق روایت‌ها را با ساختار و موضوع فراهم می‌کند افزون بر این، مطالعه‌ی مذکور یک ابزار مهم و متمایز نشانه‌شناسی و هرمنوتیک برای تفسیر روایت‌ها در تمامی گونه‌های ادبی است. به عقیده‌ی کندی ادبیات عرب فاقد ادبیات منظوم روایی یا داستانی است بنابراین، رویکرد این مطالعه نقطه عطفی در ادبیات تطبیقی عربی و غربی خواهد بود. این مطالعه به وسیله یک پارادایم نظری مطرح شده است، اما متضمن خوانش عمیق از متون مختلف از جمله رمان عربی مدرن است. این کتاب توسط Routledge / Curzon Press در مجموعه مطالعات ادبیات عربی خاورمیانه منتشر خواهد شد.

کتاب پیش‌رو که از مجموعه مطالعات اسلامی دانشگاه پرینستون بوده و در پنج فصل تنظیم شده است بیانگر قسمتی از زندگی شخصی و ادبی ابونواس است.

مقدمه‌ی مترجمان

به خاطر سلسله‌ی موهایش ابونواس لقب گرفت، نامش «حسن بن هانیء حکمی» بود. حدود سال ۱۳۹ یا ۱۴۵ ق در اهواز به دنیا آمد و وقتی پدرش را از دست داد، در کنار مادرش «گلبن» زندگی کرد. (ن.ک شوقی ضیف: ۲۲۰/۳) پس از ازدواج مادرش به بصره رفت. درست است که در عطاری، شاگردی می‌کرد اما سرشار از هوش و ذوق لطیف و فصاحت بیان و حاضر جوابی بود. اهل مطالعه بود و شیفته‌ی شعر شاعر عرب‌زبان اهل کوفه «والبه بن حباب اسدی» شد. حافظ قرآن بود و بر حدیث تسلط داشت و همین امر باعث شد بافت زبان‌شناسی شعرش بسیار فصیح گردد.

در جوانی عاشق دختری به نام «جنان» شد، وقتی راه رسیدن به عشقش را بسته دید به بغداد کوچ کرد و نزد برمکیان رفت اما وقتی حکومت برمکیان سقوط کرد به مصر بازگشت. پس از مرگ هارون و بر سر کار آمدن امین، دوباره به بغداد رفت. به دلیل بی‌پروایی در گفتار، بارها به زندان افتاد اما هرگز میان واقعیت و ادب پرده‌ای نکشید بلکه بالعکس بیان تند و تیز و صریحش باعث شد آثارش در طول زمان بارها سانسور شود با این حال دیوان او امروزه در دست است و چندین بار در مصر به چاپ رسیده است.

اما آن‌چه مترجمان این اثر را به ترجمه کتابی به نام ابونواس کشانده نقش برجسته‌ی ابونواس به عنوان یک شاعر ایرانی الاصل در رشد و تطور ادب عربی عصر عباسی و تأثیر او در شاعران دوره‌های متاخر و از آن مهم‌تر تأثیرگذاری عمیق وی در شاعران بزرگ فارسی است. «عباسیان که از سال ۱۳۲ تا ۶۵۶ ه.ق حکومت می‌کردند خود با کمک مؤثر ایرانیان به قدرت رسیدند» (یعقوبی: تاریخ یعقوبی، ۳۲۵/۲) و با ایجاد فضای باز سیاسی و فرهنگی و تأسیس مراکز علمی، توجه بسیاری به گسترش علوم و فنون و ادبیات مبذول داشتند. ابن خلدون در خصوص نقش شاعران، ادیبان و دانشمندان ایرانی در تحول علمی عباسیان می‌گوید: «متمدنین این عهد، همه یا عجم بودند یا از کسانی بودند که تربیت و زبان عجمی داشتند» (مقدمه ابن خلدون: ۵۴۴)

یکی از این نواایغ ایرانی که نقش بسزایی در رشد و تطور ادب عربی داشته بی شک ابونواس حسن بن هانیء است. نقش بی بدیل او در موارد بسیاری از جمله استقلال برخی فنون شعری همچون خمریات، طردیات، ملمعات، زهدیات، غزل مذکر، ورود برخی واژگان، اصطلاحات و بعضاً ابیات فارسی، بازنمایی بزم های ایرانی از جمله عید نوروز و از همه مهم تر تأثیرگذاری فوق العاده وی در شاعران فارسی پس از خود از جمله حافظ از دلایلی است که ترجمه کتابی در معرفی این شخصیت ادبی را دو چندان می سازد به طور خلاصه اهمیت نبوغ ابونواس در رشد و تطور ادب عربی به قرار زیر است:

۱- خمریات: خمریات به شعرهایی گفته می شود که در آن از موضوعاتی همچون می، ساقی، جام، سبو و ... گفتگو می شود. سرایش شعرهایی که در آن، سخن از شراب بوده باشد در ادبیات کهن عرب مسبوق به سابقه بوده أعشی استاد این فن بود و پس از او عدی بن زید العبادی و عمرو بن کلثوم و طرفه بن عبد و پس از جاهلیت و علی رغم درخشش اسلام و تحریم شراب، ابو محجن ثقفی، یزید بن معاویه، اخطل تغلبی، و مسلم بن ولید به وصف آن پرداخته اند (حاوی، ۱۴۱۷: ۷۹)؛ اما ابونواس با تغییرات عمده ای که در شعر شراب ایجاد کرد بنیان گذار خمربه سرایی لقب گرفت. ابونواس مانند دیگر شاعران فقط در تشبیب از شراب سخن نمی گوید بلکه در محور عمودی شعرهایش، شراب پیوسته وجود دارد. وی علاوه بر توصیف خود شراب و تأثیرات آن در جسم و جان، سخن را به وصف تاک و تاکستان می کشاند و از شیوهی ساختن آن حکایت می کند و از میکده ها و آداب و رسوم آن جا و ساغرهایی که گاه منقش به نقش های ایرانی هستند و خماران و ساقیان و ندیمان و مطربان، تصویرهای زیبایی می آفریند (نجاریان، ۱۳۹۰: ۲۶۰)

۲- طردیات یا شعر شکار: به واسطه ی ابونواس به عنوان فن شعری مستقل شناخته شد در این قصاید با زبردستی و هنرمندی تمام از صنایع بدیعی، تشبیهات و استعاره های خیال انگیز برای توصیف صحنه های شکار سود جسته است.

۳- ملمعات: که در آن، از طریق تلمیح، واژگان فارسی را با عربی درآمیخته و این، خود نشان از تبحر و مهارت کم‌نظیر اوست.

۴- فارسیات: مراد از فارسیات، آن قصاید و قطعاتی است که شاعر در آن‌ها کلمات و تعبیرات فارسی به کار برده و چون ابونواس سه چهار سالی قبل از سال دویست هجری در گذشته این کلمات فارسی نزدیک به هزار و دویست سال پیش از خط عربی کتابت شده و بدین جهت از قدیم‌ترین نمونه‌هایی است از الفاظ فارسی که به خط عربی نقل گشته و به دست ما رسیده و حتی از الفاظ فارسی که در بسیاری از کتاب‌هایی به خط پهلوی موجود است نیز قدیم‌تر است چون غالب آن کتاب‌ها متعلق به قرن سوم هجری است (مینوی: یکی از فارسیات ابونواس، مجله دانشکده ادبیات سال اول: ۶۱)

۵- فنی به نام غزل مذکر یا «ذکر معشوق مذکر» که در اوایل عهد عباسیان توسط والبّه بن الحباب متوفی ۷۸۶م ابداع شده بود توسط شاگردش ابونواس به شعر فارسی راه یافت و چنان همه‌گیر شد که در تمام تشبیه‌هایی که در لباب الالباب آمده سخن از معشوق مذکر است (شمیسا: شاهدبازی در ادبیات فارسی، ۱۳۸۱: ۳۰) این نوع سروده‌ها که به شاهدبازی هم مشهور هستند از نظر موسیقی، تصویر، ظهور حوادث و وقایع جامعه‌ی آن روزگار و گزارش واقعی و همه‌جانبه‌ی فساد از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۶- ابونواس نخستین کسی است که سنت ادبی عرب را در قصاید که از ابتدا تا انتها یکسان و یکنواخت ساخته می‌شد و هر بیت به دوپاره مساوی تقسیم شده بود را بر هم زد و گاهی در کمال آزادی، اندیشه‌ی خود را در سراسر بیت بدون توجه به مصراع‌ها بیان می‌داشت (شوقی ضیف: ۲۲۰/۳)

۷- زهدیات: از دیگر موضوعاتی که شعر ابونواس را شایسته تأمل می‌سازد زهد و پارسایی و توبه است او امید به بخشش خداوند دارد و بارها در شعرهایش از بار گناه خود و نگرانی از بخشیده نشدن به خاطر خوش‌گذرانی‌ها صحبت کرده است. تضادهایی در شعر ابونواس وجود دارد که

باعث جذب مخاطب می‌شود، شعرهای او اغواکننده است اما توصیفات شاعرانه و زبان طنز مخصوص به خودش را دارد که خواننده‌ی شعرهایش را با خود همراه می‌کند.

بررسی حاضر که در واقع یکی از سلسله مطالعات اسلامی دانشگاه پرینسون بوده و در پنج فصل تنظیم شده است بیانگر قسمتی از زندگی شخصی و ادبی ابونواس است که فیلیپ اف کندی آن را تألیف کرده است در این بررسی، بیشتر تلاش نویسنده معطوف به مطالعه و بررسی باده سرایی و شاهدبازی در شعر ابونواس بوده البته دیگر جنبه‌های شعری ابونواس هم از نگاه تیزبین مؤلف دور نمانده و موضوعاتی همچون شعر شکار و زهدیات و ... هم مورد بررسی قرار گرفته است اما به اندازه‌ی حجم مطالب مربوط به خمریات و غزل مذکر نبوده است شاید علت توجه مؤلف به این دو مقوله به ویژه شاهدبازی در شعر ابونواس این باشد که علی‌رغم گستردگی این موضوع و فراوانی غزل مذکر در شعر کلاسیک عرب و از جمله ابونواس، پژوهش جامع و مستقلى در این خصوص وجود نداشته یا شاید قبح مسأله، علت اصلی آن بوده باشد علت مسأله هر چه که بوده باشد اشعار مربوط به این موضوع، افزون بر ارائه نقد روان‌شناختی شعر دوره عباسی، از جهات تاریخی و جامعه‌شناسی بسیار سودمند بوده و تبیین جامعه‌شناختی روشن، صحیح و کاملی از جریانات تاریخی عرب به دست می‌دهد. ملاحظه‌ی این نکات است که مترجمان را به معرفی و ترجمه مطالعاتی از این دست رهنمون می‌سازد و باز هم از آن‌جا که بهترین منبع برای تحقیق در تاریخ اجتماعی هر ملت و کشوری، متون نظم و نثر آن است که در آن، از عادات و رسوم و به طور کلی زندگانی مردم و اجتماع و احوال دربارها و حکومت‌ها تصاویر گویایی به دست می‌دهد بی‌شک بررسی دفترهای شعری شاعران دوران متقدم از این حیث نیز ثمرات بسیاری در دل دارد. یادآوری این نکته لازم است که برخی مطالب کتاب به دلیل قبح آن در ترجمه حذف شده که البته حجم آن بسیار اندک بوده و آسیبی به تمامیت کتاب وارد نکرده است. بالاخره این که ترجمه‌ی حاضر قطعا خالی از ایراد نبوده و اشکالاتی هم دارد که با نظرات صائب خوانندگان فرهیخته و البته به یاری خداوند مرتفع خواهد شد.

فصل اول:

پریشان گیسوی خیره به بابل

خلاصه‌ای از سرگذشت ابونواس^۱

(۷۵۷-۸۱۴)

۱. ابونواس: به ضم نون و بدون تشدید واز فعل ناسَ ینوسُ به معنای جنبیدن و تکان خوردن است و ذونواس یا ابونواس به کسی اطلاق می شود که گیسوان بافته شده‌اش از دو سوی گردنش آویزان شده و تکان می خورند.

خانواده، زادگاه و شهر و دیار ابونواس

بی‌شک ابونواس یکی از بزرگترین، با استعدادترین، با ذوق‌ترین و نامدارترین شاعران کلاسیک عرب بود، کنیه‌ای که او در طول عمرش از ابتدا تا همیشه با آن شناخته شده بود، ابونواس (پریشان گیسو) بود. ابونواس لقبی است که او به عنوان یک پسر یا یک نوجوان در بصره، جنوب عراق جایی که او در آن رشد کرد، به دست آورده است. نام کامل او «ابوعلی الحسن بن هانیء حکمی» بود درحالی که برای فرزندان و اخلاف و دوستان خود خیلی ساده ابونواس بود، هم‌عصرانش بسیار ساده او را تنها ابوعلی، خطاب می‌کردند. وی حدود سال ۷۵۷ در ناحیه‌ای از اهواز در استان خوزستان در جنوب غربی فارس (کشور ایلام قدیم که آن زمان در خوزستان بود) دیده به جهان گشود. در طول زندگی‌اش از همه لحاظ خوب بود. بیش از پنجاه سال زندگی کرد و در سال ۸۱۴ یا ۸۱۵ پس از مرگ خلیفه «محمد الامین» پسر «هارون الرشید» (۸۰۹) که در سپتامبر ۸۱۳ اتفاق افتاد، در پنجاه و نه سالگی درگذشت.

مادر پارسی او «گلبن»^۱ یک خیاط از خانواده‌ای موقر و فروتن بود (او بافندگی می‌کرد و به فروش محصولات دستی بامبو مشغول بود) ظاهراً او هرگز به زبان عربی مسلط نشد. گفته شده که خانه‌ی وی محل برگزاری جلسه و ملاقات دختران آوازه‌خوان بوده است. گلبن حدوداً در زمان تولد ابونواس بیوه شد. برخی بر این باورند که او دوباره ازدواج کرد چرا که یکی از کینه‌جویان ابونواس، سال‌ها بعد هنگامی که در بغداد بود به او گفت: «مادر تو چه کاری می‌تواند با آن عباس داشته باشد؟» گلبن بیش از پسرش زیست و دارایی اندک ابونواس هم پس از مرگش به او رسید. گفته شده که ابونواس وصیت کرد مبلغ کمی، حدود دویست دینار به مادرش داده شود و مقدار ناچیزی هم که به خاطر مقام شاعری دریافت می‌کرد و همین‌طور صله‌هایی که در طول مدت زندگی‌اش هر از گاهی به او پرداخت می‌شد به مادرش ارث برسد. برخلاف مادرش، ابونواس

مهارت و تسلط کاملی بر زبان عربی داشت و به خوبی هر شاعر عرب زبان دیگری، زبان عرب را می‌شناخت. ابونواس بی‌اندازه سخاوتمند و لذت‌طلب بود؛ به عقیده‌ی او لطف و محبت، مهم‌ترین مواهب زندگی است. ابونواس اساساً از همان مسائلی که باعث برانگیخته شدنش می‌شد و به شعرش غنا می‌بخشید در رنج و عذاب بود.

او شاید هرگز پدرش؛ «هانی بن عبدل الأول» که جزء نظامیان مروان دوم (۷۵۰م) آخرین خلیفه‌ی اموی بود را نشناخت. پدر بزرگ هانی «الصباح بن جاره بن عبدالله الحکمی» در طایفه‌ای از قبیله‌ی جنوب عرب، قبیله‌ی سعد بن عسیره، خدمت می‌کرد. این پیشینه و نژاد در متمایز کردن ابونواس و ویژگی‌های سیاسی شعرش اهمیت خاصی دارد آن هم در زمانی که قبایل عراق رسماً مورد اهانت قرار می‌گرفتند. این تقابل میان قبایل شمال و جنوب تا حد زیادی باعث ایجاد دشمنی میان جامعه‌ی سیاسی عباسیان و امویان شد. واژه شناسان قرون وسطی به طور قطع، بیان داشتند که سه شاعر بزرگ یمن، امرئ‌القیس، حسان بن ثابت (شاعر عاشق حضرت محمد) و ابونواس هستند. شایان ذکر است که شاید ابونواس خیلی ساده این کنیه را بر اساس ظاهر آشفته و ژولیده‌ی خود کسب کرده باشد و شاید هم علت دیگر آن وجود نشانه‌های خویشاوندی با عرب‌های جنوب باشد؛ یکی از آن نشانه‌ها می‌تواند طرفداری آشکار او از شاه یمنی پیش از اسلام به نام «دئونواس» باشد. ریشه‌ی ایرانی مادر ابونواس، گلبن در رابطه با هم‌فکری فرهنگی شاعر اهمیت چشمگیری داشته است. هنوز این پرسش مطرح است که آیا ابونواس شاعری عرب زبان است یا شاعری غیر عربی که به درستی معرفی نشده است. بی‌شک او به سختی خود را یک شاعر عرب می‌دانست اما کسی بود که جایگاه مستحکمی در فرهنگ عرب داشت. ابونواس به راحتی از محیط و جوهره‌ی ایرانی خود تأثیر پذیرفته بود و این تأثیر با تجلیش از جشن نوروز و در کاربرد واژگان فارسی و نام‌هایی که چاشنی برخی از شعرهای او بودند، نمایان است. اگرچه او در جامعه‌ی عباسیان جایگاه ویژه‌ای داشت و به خاطر جنبش ادبی فارسی‌اش، سر و صدای زیادی

کرده بود اما او ترکیب متناقضی از همه چیز بود؛ و شاید از هرگونه فرهنگ تیز و برنده و نظرات سیاسی یا علوم الهی واهمه داشت. برای نمونه او می‌توانست از مادر محبوبش گلبن به خاطر عدم توانایی‌اش در زبان عربی و تا حدی در کاربرد واژگان فارسی طنز بسازد و این مسائل را ابراز کند او برای انواع حرفه‌های بد وهرزه، مادرش را به صورت خنده‌داری به تصویر می‌کشید. درمجموع ابونواس از نظر نژادشناسی نسبت به هم‌عصران خود در اوایل قرن نهم میلادی در حوزه‌ی بغداد، پیشینه و اصل و نسب متفاوتی داشت.

تحصیلات

ابونواس در اوان کودکی به تأسی از مادر به بصره رفت، در جنوب عراق وارد مدرسه‌ی قرآن شد. اهواز برای خانواده‌ای بی‌سرپرست جای امید بخشی نبود اما اگر بدشانس نبودند بی‌شک حرکت به بصره و ادامه‌ی زندگی در آن‌جا می‌توانست امید بخش و مهیج باشد. آنجا قلب و مرکز فرهنگ بود. ابونواس در سن جوانی حافظ قرآن شد، دانش عمیق او از کتاب مقدس قرآن، بعدها در بافت زبان‌شناسی شعر او خودنمایی کرد. چهره‌ی جوان ابونواس و گیرایی ذاتی او مورد توجه شاعر کوفه، «أبوأسامة والبة بن حباب اسدی» (ابن حباب ۷۸۶/۱۷۰) قرار گرفت. او مردی با اصل و نسب پارسی، جذاب، بلوند و چشم آبی بود.

تأثیری که ابونواس از این شاعر روشن‌فکر و خلاف‌کار گرفت، قابل درک و فهم نیست. نشانه‌های بسیاری از برخورد ابن حباب با شاعر جوان برجای مانده است به‌ویژه در حالت‌هایی که او در سرودن شعر سنت‌شکنی می‌کرده؛ ولی ابن حباب، فردی شاهدباز، شهوت‌ران، ماهر و سخنور بود و با رفتار شوخ‌طبعانه‌ی شیطانی‌اش بر ابونواس تأثیر می‌گذاشت. او باعث شد که سال‌ها بعد ابونواس شاعری پرهیاهو و خمریه‌سرا شود. بر اساس روایتی رایج، شیطان (ابلیس) نقشی انتزاعی در رابطه‌ی میان والبة بن حباب و شاگردش ایفا نمود. ابلیس به خواب والبة بن حباب آمد و درباره‌ی ابونواس گفت: «من اُمّت محمد را با این جوان که از خودتان است منحرف

خواهم کرد من راضی نخواهم شد مگر اینکه عشق او را به خاطر سرودن شعرهای دلپذیر و شیرینش در قلب‌های ریاکاران و محبوبان بیندازم.»

با این حساب والبه بن حباب از روی حس و برهان، استعداد ابونواس را به عنوان یک شاعر، تشخیص داد و او را به سمت این حرفه تشویق کرد. اما واضح است که والبه بن حباب از نظر جنسی جذب این جوان حکیم شده بود و ممکن است حتی با او روابط شهوانی برقرار کرده باشد. آیا این عمل، ابونواس را آماده کرده بود تا وقتی که بزرگ‌تر شد این رفتار را با دیگران داشته باشد یا اینکه نه چنین نبوده است؟ اما به طور قطع رفتار ابونواس در بزرگسالی هنگامی که یک مرد شد بازتاب تجربه‌اش با والبه بن حباب بود.

ابونواس تمایلی به پند و اندرز نداشت اما با این وجود، مدارک بسیاری در دست است که نشان می‌دهد رابطه‌ی او با مرد دیگری به نام «خلف الاحمر» (۷۹۶) تأثیر عمیقی در شکل‌گیری شعرهایش داشته است.

وقتی ابونواس از بصره به کوفه بازگشت هنوز نوجوان بود او شاگرد این معلم عالی‌رتبه و جاعل شعر عهد عتیق شد. خلف الأحمر با سرودن اشعاری چند، به ادبیات عرب متصل شده بود، شاید شعر او در آن زمان جایگاه محکمی پیدا نکرده باشد چون شعر «شعری از عرب» به «شنفری ازدی» (قرن ششم) نسبت داده شده است. وقتی که والبه بن حباب ذاتاً شاعر زمان خود و یکی از به اصطلاح هرزه‌ها و فاسدهای کوفه بود، خلف الاحمر در واژه‌شناسی تطبیقی و تاریخی شعر سنتی قدیم بادیه‌نشین‌ها استاد بود و قدرت، توانایی و مهارت ذاتی خود را در آموزش شعر به ابونواس به کار بست.

ابونواس ذاتاً شاعری مدرن بود که در اوایل شکوفایی عباسیان می‌زیست. به طور قطع او در سنت پیش از اسلام پرورش یافته بود که بعدها در سبک شعری‌اش تغییراتی ایجاد کرد. در این خصوص ضروری است که کنایه‌ها و لایه‌های بافت شعرش را درک کنیم زیرا حداقل تا حدی